

دکتر پرویز ناتل خانلری

نسرین علی اکبری



تأثیر کلی خانلری در فرهنگ معاصر ایران غیر قابل انکار است. او در عرصه‌های مختلف ادبی، تدریس در دانشگاه، تصحیح متون کهن فارسی، پژوهش، نشر، شعر، تحقیق با نگرش نوین در دستور زبان و عروض فارسی، تاریخ زبان فارسی و هدایت مجله‌ و زینبی چون سخن به مدت سی و دو سال (بیست و شش دوره) مقام خاص دارد.^(۱)

در این میان جایگاه او در ترجمه تحت الشعاع سایر فعالیت‌هایش قرار گرفته و کمتر به آن پرداخته شده است. خانلری بیش از همعصران خود دغدغه‌ زبان فارسی داشت. او باورمند به فر

و شکوه گذشته زبان فارسی اما نگران از وضعیت کنونی آن، مجموعه‌ای از مقالات خود را به پاسداشت و ارائه رهنمون در شیوه به کارگیری درست زبان اختصاص داد.

آنانی که زبان را غلط به کار می‌گیرند در چشم او کودکان کوی و برزن بودند که پهلوان پیر پیروزی دیده روزگاران کهن را نابخردانه آزار می‌دهند و به بهانه دستگیری به چاله و سنگلاخش می‌افکنند. از این روی می‌خواست که جوانمردانه به یاری این پیر برخاسته شود و او را از چنگ کودکان شیر و نادان برهانند.^(۲)

ذوق و سلیقه او در کاربرد زبان ادامه تمایلی است که پرچم‌دار آن قائم مقام فراهانی بود. او نثر خود را به صفات سادگی، استحکام و زیبایی مزین ساخته. با سادگی سخن خود را به سیاق زبان روز، با استحکام به نوشته‌های کهن فارسی و با بهره‌گیری از زیبایی کار خود را هنری ساخته است. در نوشتن سلسله سرمقاله‌های مجله سخن سعی در به دست دادن اصولی برای نگارش به شیوه‌ای که بدان معتقد بود داشت. به مقابله دو اندیشه تفریطی و افراطی ناتوانی زبان فارسی و زبان پاک پرداخت. در تعدادی از مقالات

خود به خوبی نشان داد که زبان فارسی ناتوان نیست بلکه "ناتوانی زبان ناتوانی کسانی است که با آن سخن می‌گویند."^(۳) از سوی دیگر این اندیشه را که به بهانه زبان پاک باید لغات عربی را از صفحه زبان فارسی بزدایم یکسر خطا و ناصواب دانست و نوشت: "زبان خالص مانند نژاد پاک افسانه‌ای است که خواب می‌آورد."^(۴)

همواره تعادل را نصب‌العین خود قرار داد و از این روی رعایت این اصل را به دیگران نیز توصیه می‌کرد: تعادل میان زبان گفتار و نوشتار، میان آثار ادبی و زبان آنها، میان زبان و اجتماع، میان گذشته و اکنون، ... معتقد بود که زبان بایستی تغییرات زندگی را در خود باز تاباند. ضمن ارج نهادن به آثار قدما هنرمندان را از تقلید صرف از آنان پرهیز می‌داد و همواره از آنان می‌خواست که جهان پیرامون خود را از دریچه چشم بزرگان قدیم نبینند، بلکه هر آنچه که می‌گویند "متناسب با طرز تفکر خود و روابط اجتماعی امروز"^(۵) باشد و از "ترکیب جمل به شیوه قدیم و به کار بردن لغات متروک و وجوه منسوخ صرف افعال"^(۶) پرهیزند.

ساده نوشتن از اصول مسلم وی بود: "ساده‌ترین شیوه ادای جمله درست‌ترین شیوه نیز هست."^(۷) اختصار و کوتاهی جملات اصلی دیگر بود که بر آن تأکید داشت: "زبان فصیح زبانی است که با کمترین الفاظ مقصود را صریح و روشن بیان کرده باشد."^(۸)

تحول که امری است اجتناب‌ناپذیر خواه‌ناخواه به قلمرو زبان نیز راه می‌یابد اما نباید به این بهانه زبان را دچار آشفتگی ساخت و تحول "مبنای راه یافتن اغلاط به نوشته‌ها و انحراف از شیوه معمول زبان باشد."^(۹) از این رو به تقسیم‌بندی سطوح مختلف زبان پرداخت: "زبان گفتار، زبان علم، زبان نثر، زبان شعر"^(۱۰) و ارزش و اهمیت هر یک از آنها و ارزش هر کدام را در کاربرد نشان داد؛ "زبان نثر ساخته و پرداخته اجتماع است و خود جز پذیرفتن آن چاره‌ای ندارد. اما زبان شعر را خود شعر می‌سازد. مایه کارش الفاظ است. این مایه را البته خود نمی‌آفریند، اما به دلخواه خویش برمی‌گزیند. پیش او از لفظ خرمنی هست. باید دید که این خرمن از کجا فراهم آمده است. در بازار نثر همینکه سکه لفظ از رواج افتاد دیگر قابل دادوستد نیست. اما در عالم شعر خود شاعر است که سکه‌ها را رواج می‌دهد، پس در اینجا هیچ سکه‌ای ناروا نیست."^(۱۱)

پس زبان شعر فقط وسیله و ابزار انتقال معانی نیست بلکه وسیله القای حالات نفسانی است. "لفظ در شعر، دیگر تنها علامت و نشانه معنی صریح و معین نیست، بلکه صورت آن، صورت شنیدنی نیز برای القای حالات به کار می‌آید. هنر شاعری عبارت از آن است که از همه خواص کلمه، چه لفظی و چه معنوی، برای برانگیختن خیال یعنی ایجاد حالتی نفسانی در ذهن شنونده استفاده شود."^(۱۲)

"یکی از هنرهای شاعری آن است که شاعر به‌رغم همه قیودی که در پیش دارد ساختمان جمله را چنان به زبان گفتار و نثر نزدیک کند که گویی هیچ قیدی در میان نبوده است، در این مورد لذتی که به شنونده دست می‌دهد نتیجه احساس قدرت و مهارتی است که شاعر در تلفیق کلام نشان داده است."^(۱۳)

خانلری به ترجمه نیز پرداخت و درباره آن نوشت، اهمیت آن را خاطر نشان ساخت، مضایق تنگناها را دید و راههای گشایش و رهایی را نشان داد. نمی توان پنداشت که او بی ضرورتی^(۱۴) دست کار ترجمه زد. شاید یکی از ضرورتهای پرداختن به ترجمه گشودن دریچه‌ای به دنیای نوین و تعامل تبادل افکار با آن بود و چه بسا امید داشت که آشنایی با آثار نویسندگان بزرگ، همچون روسیه، زمینه ایجاد ادبیات درخشانی در کشور گردد.^(۱۵)

با پرداختن به ترجمه تصور عجز زبان فارسی برای بیان مفاهیم جدید را از اذهان زدود. با ارائه سیمای واقعی زبان فارسی در عرصه‌های مختلف سیمای زبان ترجمه را قلماً و عملاً ترسیم کرد. بر آموختن اصول و قواعد زبان تأکید داشت اما "نه به قصد آنکه تا ابد پای بند آنها باشیم بلکه به منظور اینکه بتوانیم از آنجا تجاوز کنیم، این تجاوز به معنی ترقی است. اما ترقی بی اطلاع از آنچه دیگران پیش از ما کرده‌اند حاصل نمی‌شود."^(۱۶) از طریق ترجمه در صدد توسعه زبان بود. اما این توسعه به معنی ساختن "زبانی یاجوج و ماجوج"^(۱۷) نبود، بلکه ساختن زبانی با اطلاع از کار گذشتگان و رو به سوی آینده، زبانی متحول و پویانده.

الفاظ بیشترین سهم را در تحول زبان عهده‌دار هستند. "زبان را باید وسعت داد و یکی از مهمترین وسایل این کار یاری خواستن از الفاظ و اصطلاحات تازه‌ای است که عامه مردم بر حسب احتیاج خود به کار می‌برند، اما این کار نباید چنان بی‌پروا انجام بگیرد و ملوک الطوائفی ادبی برقرار گردد. برای پرهیز از این خطر باید به مطالعه آثار گذشتگان پرداخت تا بتوان مواد و مصالح تازه بر حسب آن اصول - که طی قرن‌ها پدید آمده است - فراهم ساخت. نجابت الفاظ را نباید از بین برد اما به الفاظ و تعبیرات عامیانه صفت نجابت باید بخشید و این هنر از کسی ساخته است که به دانش و ذوق، لیاقت فرماندهی بر عالم الفاظ یافته باشد."^(۱۸)

از سوی دیگر باید به لغات و تعبیرات فصیح چشم داشت که در طی زمانی دراز مورد استعمال بزرگانی که امروز در هنر و استادیشان شک نیست قرار دارند و به این سبب دارای صراحت و دقت حکایت از معانی هستند. از سوی دیگر باید از کلماتی که ثبت و ضبط نشده‌اند به علت عدم صراحت^(۱۹) و از کلمات مرده که به "اندازه مقصود و منظور نویسنده بر معانی دلالت نمی‌کند، یعنی در ادراک معنی آن ابهام و تردید حاصل می‌شود پرهیز کرد. مرگ کلمه وقتی فرا می‌رسد که اهل زبان دریابند که دیگر نمی‌توانند مقصود خود را با آن انجام بدهند یا مفهومی که لفظ حاکی از آن است دیگر در ذهن افراد جامعه وجود نداشته باشد و به یکی از این دو سبب استعمال لفظ متروک شود.

"انتساب معانی گوناگون به یک لفظ تابع قواعد معینی است که کم و بیش در همه زبانها یکسان است. پس به کاربردن یک لفظ برای چندین معنی امری است که موجب توسعه زبان و آسان شدن شیوه بیان است اما این کار مانند همه چیز، اندازه‌ای دارد که اگر از آن بگذرد عیب و نقص به بار می‌آورد."^(۲۰)

"یکی دیگر از عوامل تحول زبان تغییر مدلول‌های الفاظ است. در این تحول گاهی کلمه‌ای معنی

اصلی و نخستین خود را از دست می‌دهد و جز به معنی فرعی و ثانوی به کار نمی‌رود، بسیاری از الفاظ معنی اصلی و کهن خود را به موازات معنی تازه حفظ می‌کنند. "رابطه دال و مدلول که بر غنای واژگان می‌افزایند از این قبیل است: مشابهت، مراعات آداب اجتماعی علت و معلول، رابطه مقدمه با نتیجه، رابطه مکان با ممکن، رابطه ظرف با مظروف، رابطه جزء با کل، رابطه خاص با عام و عام با خاص..." (۲۱)

شیوه مقابله با لغات و اصطلاحات بیگانه چیست؟ "هر ملتی که رو به تکامل دارد ناگزیر باید پیوسته به موازات پیشرفتهای علمی و اجتماعی، گنجینه واژگان خود را غنی سازد و این امر که به هر حال انجام می‌گیرد یا به طریق اخذ و اقتباس الفاظ بیگانه است یا از راه وضع الفاظ تازه. پس نمی‌توان از هر لفظ تازه‌ای پرهیز کرد." (۲۲)

"رشته‌های متعددی از علوم و فنون هست که ما نیافته‌ایم، نپورده‌ایم و اکنون ناچار باید هرچه زودتر آنها را از غربیان بیاموزیم. با این علوم و فنون هزاران لفظ بیگانه به زبان ما راه می‌یابد. اما نکته مشکل اینجاست که هر گروه از جوانان مادر یکی از کشورهای غربی به تحصیل این معارف می‌پردازند و در بازگشت به ایران اصطلاح واحد علمی یا فنی را به الفاظ مختلف یا به تلفظ‌های متفاوت با خود می‌آورند، حاصل آنکه برای یک مفهوم لفظ‌های گوناگون میان فارسی‌زبانان متداول می‌شود و این پراکندگی و گوناگونی مانع آن می‌گردد که اهل یک رشته از دانش یا حرفه بتوانند زبان یکدیگر را دریابند و با هم ارتباط ذهنی و علمی پیدا کنند. راه حل این مشکلات شامل موارد متعددی است از این قبیل: یکسان ساختن تلفظ کلمه بیگانه، جمع‌آوری اصطلاحات وضع شده و به رسمیت شناختن یکی از آنها." (۲۳)

مترجمان را توجه می‌دهد که ساختهای مختلف واژگان را دریابند و هنگام یافتن معادل یک لفظ خارجی "باید توجه داشت که از چندین معنی که در مقابل آن نوشته شده هر یک از کدام مقوله (اصلی، مجازی، اصطلاحی) است." (۲۴)

می‌توان در معادل‌یابی لغات بیگانه به واژه‌سازی دست زد و این امر از چند راه ممکن است:

۱- نامیدن با عبارات وصفی (چراغ نفتی، ماشین دودی، راه‌آهن ...)

۲- از طریق ترکیب و اشتقاق "اگر اجزاء زبان فارسی امروز دیگر قابل تجزیه و ترکیب نیست خود کلمات به سهولتی با هم ترکیب می‌شوند که شاید در کمتر زبانی نظیر داشته باشد. علت این سهولت ترکیب نیز شاید همان کهنگی زبان باشد که لغات آن را سوهان خورده و کوتاه ساخته است. زبان فارسی زبان کلمات کوتاه است. برحسب استقرایی که من کرده‌ام اکثر کلمات فارسی از یک هجایی تا سه هجایی است و کلمه درازتر از این بسیار کم است. به این سبب کلمات فارسی را به سهولت تمام با یکدیگر ترکیب می‌توان کرد و به این طریق لفظی نو برای مفهومی تازه می‌توان ساخت." (۲۵)

۳- اقتباس لغات بیگانه: شیوه‌های اقتباس از این قبیل است: الف- کلمات بیگانه گاهی از راه بازرگانی و دادوستد زبانی به زبان دیگر می‌رسد، بیشتر محصولات کشاورزی از این قبیل است.

ب- اقتباس الفاظ غالباً با اخذ معانی آنها همراه است، یعنی در حقیقت معنی تازه‌ای است که از

دیگران اقتباس شده و به تبع آن لفظ اصلی نیز مورد قبول یافته است. اما گاهی معنی و مصداق در زبان وجود داشته و تنها لفظ اصلی به لفظی بیگانه تبدیل شده است.^(۲۶) اقتباس لغت در زبان مقصد دستخوش تصرف و دگرگونی می شود راههای این دگرگونی عبارتند از: تصرف در لغات بیگانه، ابدال و قلب.^(۲۷) با وجود این عرصه‌ای که به روی مترجم گشوده شده است خالی از مشکل نیست. یکی از مشکلات سیطره ادب کهن بر زبان فارسی امروز است. فقر در اوصاف، دیگر مشکل است زیرا در ادبیات فارسی وصف نادر را غریب و غرابت را مخل فصاحت شمرده و از آن پرهیز کرده‌اند. حاصل این روش آنکه زبان فارسی برای بیان عواطف و تأثرات واقعی بشری و ادراکات فردی فقیر شده و دائره تعبیرات آن تنگ و محدود گردیده است.^(۲۸)

در موارد متعددی ترجمه سبب کثرتابهایی در زبان شده است یکی از آن موارد کاربرد "یک" است کاربرد "یک" در مواردی مفهومی خلاف مقصود نویسنده به ذهن القا می‌کند، مثلاً: ابوعلی سینا یک فیلسوف بود.

او علاوه بر نثر علمی (تصحیح و توضیح دواوین و کتب تحقیقی) و نثر دبیری (هفتاد سخن، فرهنگ و اجتماعی و...) در زمینه نثر ترجمانی نیز آثاری دارد. این آثار عبارتند از: چند نامه به شاعری جوان، راینر ماریا ریلکه (۱۳۲۵)، دختر سروان، پوشکین (۱۳۱۵)، بابک و وضع زمانه، ولتر، شهکارهای هنر ایران، آرتور ایهام پوپ (۱۳۳۷)، ترستان و ایزوت، ترستان ژوزف بدیه، اختراع زبان و خط، مارسل کوهن.

در ترجمه این آثار همان اصولی را که پیشتر به آن اشاره شد، یعنی سادگی، استواری، زیبایی و درستی را مورد نظر داشته است. او در ترجمه به نثر اکتفا نکرده بلکه قطعاتی از شعر نیز به زبان فارسی برگردانده و الگویی برای ترجمه شعر به دست داده است: اروپا خاموش است، شاندر و بتوفی، افسانه ماه و خورشید، بیشه محبت، پل والر، چیزهای بی زبان، ریری ولکر، دو کاغذ نویس، آرتور امانویل، سرود انکوس و لگردد، ویلیام، سرود داد، سفر (در بهمن ۲۳ در سخن منتشر شده است). سفر (منتشر شده به سال ۳۵ در سخن) شعر، صبح در دره، غزل کوچک خانم، ثویبی بویه، گربه دم حجله، مجلسی در چاپارخانه، نگین زمره، وصیتنامه رودن، عاشق: پل الوار، غزلهای سلیمان، از روی متن فرانسوی فرانز توسن، با مراجعه به ترجمه‌های متعدد فرانسوی، انگلیسی و فارسی تورات و مقابله با ترجمه هیوج، سونفیلد.^(۳۰)

نمونه‌هایی از ترجمه او:

همه طرق زندگی، مانند طریقه‌ای که اکنون شما ناچار باید با آن آشنا شوید، پر از تکلف و تصنع و خطاست و هر چند بعضی از آنها به ظاهر آزادی بیشتری برای مردمان بگذارد هیچیک وسعت آن را ندارد که عظمت‌های زندگی حقیقی را فراگیرد. اما مرد خلوت خود نیز قوانین حقیقی زندگانی است و چون چنین مردی سپیده‌دمان از خانه درمی‌آید یا شامگاهان که نکته‌ها در آن است به بیرون نظر

می‌افکند و از آن نکته‌ها چیزی در می‌یابد، آنگاه مانند مردگان از همه قیود زندگی می‌رهد و حال آنکه زنده واقعی است. (۳۱)

بیشه محبت

در همه آن راه دراز، در کنار هم
اندیشه‌های پاک در سر داشتیم
دست یکدیگر را گرفته بودیم
و خاموش بودیم ... در آغوش گل‌های تاریک
مانند دو دل‌داده گام می‌زدیم
تنها، در آن شب زمردین چمنزار؛
در آن دره جادویی که ماه مهر آمیزست
با مردمان بی‌شور و شریک بودیم
آنگاه، هر دو بر روی چمن جان دادیم
آنجا که بس دور بود
در آن بیشه آشنا و زمزمه‌خوان
هر دو تنها میان سایه‌های لطیف
پس در آسمان، در روشنائی بیکران
گریان، گریان، یکدیگر را باز یافتیم
ای عزیز، ای هم‌ره خاموشی

بل والری

بانو

مرا مانند مَه‌ری بر دل خود بگذار
مرا مانند پاره‌ای بر بازوی خود ببند
زیرا که عشق از مرگ نیر و مندتر است
و غیرت از دوزخ هول‌انگیزتر
شراره‌های آن چون آتش فروزان است
سیلها این شراره را فرو نمی‌نشانند
و آب همه رودها آنرا خاموش نمی‌کند
پر مایه‌ترین مردمان با همه گنج خویش
عشق را نمی‌تواند خرید
و اگر در پی آن باشد
جز ریشخند بهره‌ای نمی‌برد
"قطعه‌ای از ترجمه غزل‌های سلیمان"

مأخذ و توضیحات

- ۱- یک دوره وقفه در سردبیری وی از انتهای دهه بیست تا اوایل سائهای سی مشاهده می‌شود.
- ۲- پرویز ناتل خانلری، دفاع از زبان فارسی، مجله سخن، سال دوم، شماره ۱، (دی ماه ۱۳۲۳)، ص ۴
- ۳- پرویز ناتل خانلری، دفاع از زبان فارسی، مجله سخن، سال دوم، شماره ۱، (دی ماه ۱۳۲۳)، ص ۴
- ۴- پرویز ناتل خانلری، پیشین، مجله سخن، سال دوم، شماره ۱، (دی ماه ۱۳۲۳)، ص ۶
- ۵- پرویز ناتل خانلری، سخنی چند درباره ادبیات امروزی، سال اول، شماره ۲، (تیر ۱۳۲۲)، ص ۶۹
- ۷- پرویز ناتل خانلری، پیشین، ص ۶۹
- ۷- پرویز ناتل خانلری، باید فارسی آموخت، سال اول، شماره ۶، (آبان ۱۳۲۳)، ص ۲۹۹
- ۸- پرویز ناتل خانلری، باید فارسی آموخت، سال اول، شماره ۷ و ۸ (بهمن و اسفند ۱۳۲۲)، ص ۳۹۵
- ۹- پرویز ناتل خانلری، تحول زبان، سال هشتم، شماره ۴، (مرداد ۱۳۳۶)، ص ۳۱۷
- ۱۰- پرویز ناتل خانلری، زبان شعر، دوره پنجم، شماره ۲، (بهمن ۱۳۳۲)
- ۱۱- پرویز ناتل خانلری، پیشین، دوره پنجم، شماره ۲، (بهمن ۱۳۳۲)، ص ۸۴
- ۱۲- پرویز ناتل خانلری، زبان شعر، دوره هجدهم، شماره ۶، (آبان ۱۳۴۷)، ص ۵۹۸

- ۱۳- پرویز ناتل خانلری، پیشین، دوره هجدهم، شماره ۶، (آبان ۱۳۴۷)
- ۱۴- شاید بتوان طرح دو جایزه برای ترجمه، بهترین ترجمه ادبی، را ناشی از این ضرورت دانست.
- ۱۵- پرویز ناتل خانلری، جوانه‌های شعر نو، سال سوم، شماره ۳، (خرداد ۱۳۲۵)
- ۱۶- پرویز ناتل خانلری، لفظ عامه و لفظ قلم، سال دوم، شماره ۹، (مهر ۱۳۲۴)، ص ۶۴۶
- ۱۷- پرویز ناتل خانلری، زبان یاجوج و ماجوج، دوره هفتم، شماره ۳، (خرداد ۱۳۲۵)
- ۱۸- پرویز ناتل خانلری، لفظ عامه و لفظ قلم، ص ۶۴۷
- ۱۹- پرویز ناتل خانلری، پیشین، ص ۶۴۵
- ۲۰- پرویز ناتل خانلری، بیماری الفاظ، سال هفتم، شماره ۱۰، (بهمن ۱۳۳۵)، صص ۹۳۲ و ۹۳۳
- ۲۱- پرویز ناتل خانلری، چگونه رابطه لفظ و معنی تغییر می‌پذیرد، دوره هفدهم، شماره ۱۱ و ۱۲ (اسفند ۴۶ و فروردین ۴۷) صص ۱۰۵۱-۱۰۵۶
- ۲۲- پرویز ناتل خانلری، درباره لغت‌سازی، دوره بیست و پنجم، شماره ۱۷، (مهر ۱۳۵۷)، ص ۴۳۲
- ۲۳- پرویز ناتل خانلری، برای زبان فارسی چه باید کرد، دوره بیستم، شماره ۷ (آذر ۴۹)، صص ۶۲۷-۶۳۴
- ۲۴- پرویز ناتل خانلری، کار ترجمه، دوره بیست و چهارم، شماره ۹ (آبان و آذر ۵۴)
- ۲۵- پرویز ناتل خانلری، دفاع از زبان فارسی، دوره دوم، شماره ۱ (دی ماه ۱۳۲۳)، ص ۹
- ۲۶- پرویز ناتل خانلری، پیدایش لغات نو، دوره دوازدهم، شماره ۷ (آبان ۱۳۴۰)، صص ۷۲۷-۷۳۴
- ۲۷- پرویز ناتل خانلری، اقتباس لغات بیگانه، دوره دوازدهم، شماره ۸ (آذر ۱۳۴۰)، ص ۸۵۸
- ۲۸- پرویز ناتل خانلری، دفاع از زبان فارسی، سال دوم، شماره ۳ (اسفند ۱۳۲۳)، صص ۱۶۴-۱۶۶
- ۲۹- پرویز ناتل خانلری، یک... یک، دوره نهم، شماره ۱ (فروردین ۱۳۳۷)، صص ۷-۹
- ۳۰- شاملو نیز از این اثر ترجمه‌ای تحت عنوان غزل‌های سلیمان به دست داده است.
- ۳۱- راینر ماریا ریلکه، چند نامه به شاعری جوان... دکتر پرویز ناتل خانلری، معین، تهران، ۱۳۶۸، چاپ چهارم، ص ۴۹

فرم اشتراک مترجم

این جانب که مشترک قبلی (با شماره اشتراک)/ متقاضی جدید هستم
 با نشانی
 کدپستی با ارسال حواله بانکی به مبلغ ۲۲۰۰ تومان به حساب ۵۱۰۵۶ بانک ملی ایران، شعبه
 خیابان دانشگاه مشهد متقاضی اشتراک **مترجم** می‌باشم. از شماره ارسال نمایید.

توجه: مشترکین دانشجویان **تخفیف ویژه** برخوردارند؛ فتوکپی کارت دانشجویی را به فرم اشتراک پیوست
 نمایند و فقط مبلغ ۱۸۵۰ تومان به حساب مجله واریز کرده حواله بانکی را به نشانی مجله ارسال کنند.